

- پنج‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۴**
- سال هفدهم** - **شماره ۳۰۹۵**

تاریخچه

سپهرغرب، گروه اجتماعی – سمیرا گمار، یک کارشناس حوزه آموزش و پرورش گفت: معلمی در همدان با ماهیانه چهار میلیون تومان، باید هم نان شب خانواده‌اش را تأمین کند، هم در کلاس یا ۴۰ دانش‌آموز و تخته‌ای شکسته تدریس کند و هم پاسخگوی فشارهای روانی سیستم آموزشی باشد. این، تصویر واقعی بسیاری از معلمان استان است؛ قشری که با وجود نقش کلیدی در ساختن آینده، خود در حال فرسودن هستند.

ادامه این روند، کیفیت آموزش در همدان را به مرز فروپاشی می‌رساند. آموزش و پرورش یکی از ارکان اصلی هر جامعه بوده که شکل‌دهنده آینده آن کشور و نسل‌های آینده است. در ایران، معلمان به عنوان نیروهای محرکه در تحقق این مهم شناخته می‌شوند و کیفیت آموزش در مدارس، تأثیر مستقیمی بر رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دارد اما در این میان، وضعیت معلمان در هر استان و منطقه به ویژه استان‌هایی مانند همدان، که از جنبه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی خاص خود برخوردار است، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

استان همدان با قدمت فرهنگی و تاریخی غنی، همواره به‌عنوان یکی از مراکز مهم آموزشی کشور شناخته شده، با این حال، در سال‌های اخیر و با تغییرات گسترده در سیاست‌ها و روش‌های آموزشی، معلمان این استان نیز با چالش‌هایی در زمینه‌های مختلف روبرو هستند. از کمبود منابع آموزشی و فشارهای شغلی گرفته تا نیاز به به‌روز شدن در حوزه‌های تخصصی، همه این مسائل تأثیر مستقیمی بر کیفیت آموزش در مدارس دارند. با توجه به این وضعیت، اهمیت پرسش درباره وضعیت معلمان در استان همدان و چالش‌های پیش‌روی آن‌ها دوچندان می‌شود. در این گفت‌وگو با کارشناس حوزه آموزش و پرورش، به بررسی وضعیت معلمان استان همدان و تأثیر آن بر کیفیت آموزش خواهیم پرداخت. بررسی‌هایی نظیر چالش‌های اصلی معلمان، تأثیر شرایط معیشتی بر تدریس، نقش خانواده‌ها در فرآیند آموزشی و فرصت‌های به‌روز شدن برای معلمان، ازجمله مسائلی است که در این گفت‌وگو مطرح خواهد شد.

هدف از این مصاحبه، روشن‌تر کردن وضعیت فعلی آموزش در استان همدان و ارائه راهکارهایی برای بهبود کیفیت تدریس و شرایط کاری معلمان است. این گفت‌وگو همچنین می‌تواند به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش مفید واقع شود تا راه‌حل‌های عملی برای رفع مشکلات موجود ارائه دهند. روح‌الله بابایی در ابتدای سخنان خود گفت: در شهرهای آموزشی پیشرفته جهان، آموزش نسل چهار، بر خلافت، ترکیب آموزش مجازی و حضوری و استفاده از فناوری‌های نوین مبنی است. ما در کشور هنوز در مراحل ابتدایی استفاده از هوش مصنوعی و فناوری‌های آموزشی هستیم و فاصله زیادی با استانداردهای جهانی داریم.

وی درباره چالش‌های معلمان افزود: کمبود منابع آموزشی، فضای فیزیکی نامناسب مدارس، تجهیزات فرسوده و کمبود نیروی انسانی از مهم‌ترین مشکلاتی است که کیفیت آموزش را تحت تأثیر قرار داده است. بسیاری از مدارس ما حتی از استانداردهای اولیه فضای آموزشی برخوردار نیستند.

این کارشناس حوزه آموزش و پرورش ادامه داد: با وجود تلاش‌های اخیر برای نوسازی مدارس و جذب معلمان جدید، هنوز با شرایط مطلوب فاصله داریم. تراکم بالای دانش‌آموزان در کلاس‌ها و کمبود نیروهای متخصص مانند معاونان، مشاوران و مربیان پرورشی نیز از دیگر چالش‌های پیش رو است.

بابایی تصریح کرد: اگرچه در سال‌های اخیر تحولاتی در محتوای آموزشی ایجاد شده، اما نیاز به بازنگری اساسی و به‌روزرسانی متناسب با نیازهای دانش‌آموزان امروز احساس می‌شود. وی سپس خاطرنشان کرد، سیستم آموزش معلمان نیازمند برنامه‌ریزی جامع‌تری است. با تغییرات متوالی در وزارتخانه و ادارات کل و جابجایی‌های مکرر نیروها، یک نظام متمرکز و کامل برای آموزش و توانمندسازی معلمان وجود ندارد. گاهی آموزش‌هایی برگزار می‌شود، اما شرایط مطلوبی ندارد و نمی‌تواند معلمان را به‌طور مناسب برای کلاس درس آماده کند.

این کارشناس آموزش و پرورش درباره نقش فناوری در آموزش نیز توضیح داد: در دوران کرونا معلمان به سمت استفاده از فناوری‌های آموزشی حرکت کرده و در تولید محتوا و آموزش برخط تجربه کسب کردند. هرچند برخی معتقدند این روش‌ها تبعات منفی هم داشت، اما فرصتی برای آشنایی با آموزش غیرحضوری و فناوری‌های نوین ایجاد کرد. با جوان‌تر شدن بدنه آموزش و پرورش و استخدام نیروهای جدید که به فناوری مسلط هستند، امیدواریم این روند بهبود یابد.

بابایی سپس در مورد شرایط معیشتی معلمان تأکید کرد: بهبود وضعیت معیشتی و رفاهی معلمان قطعاً بر کیفیت آموزش تأثیر دارد، اما انگیزه فقط مادی نیست. باید هم از طریق بهبود حقوق و مزایا و هم از طریق تقویت انگیزه‌های معنوی، تمایل معلمان به تأثیرگذاری بیشتر را افزایش داد.

وی درباره مشارکت خانواده‌ها نیز اظهار کرد: در مدرسه‌ی که اولیا مشارکت فعال دارند، نتایج آموزشی بهتری مشاهده می‌شود. ارتباط قوی بین والدین و کادر مدرسه در حل مشکلات و بهبود فرایند یادگیری مؤثر است. البته باید درک متقابلی بین نسل‌های مختلف ایجاد شود تا این همکاری نتیجه‌بخش باشد.

این کارشناس حوزه آموزش و پرورش ابراز کرد: اگرچه گروه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت تلاش‌هایی برای ارتقای کیفیت تدریس داشته‌اند، اما این برنامه‌ها محدود است و نیاز به یک طرح جامع از سوی وزارتخانه و ادارات کل احساس می‌شود تا شکاف‌های موجود پر شود. بابایی، سپس با اشاره به ضرورت توجه به خلاقیت معلمان اظهار کرد: متأسفانه تا چند سال اخیر فضای مناسبی برای بروز خلاقیت معلمان وجود نداشت. البته جشنواره‌هایی مثل الگوهای نوین تدریس برگزار می‌شد، اما به دلایل مختلف ازجمله شیوه نامناسب برگزاری و مستندسازی، این جشنواره‌ها نتوانستند آن‌طور که باید باعث شکوفایی استعدادهای معلمان شوند. خوشبختانه در سال‌های اخیر با راه‌اندازی جشنواره‌های کشوری مثل جشنواره الف، فرصت‌های بهتری برای معلمان

اجتماعی

یک کارشناس حوزه آموزش و پرورش مطرح کرد:

مشکلات آموزشی

معلمی که دغدغه نان شب دارد، نمی‌تواند مربی آینده‌سازان باشد

خلقا ایجاد شده است. وی با اشاره به تجربیات استان همدان ادامه داد: در استان ما برنامه‌ای با عنوان «جلوه‌های معلمی» اجرا می‌شود که به شناسایی و معرفی روش‌های خلاقانه تدریس می‌پردازد. این برنامه اگرچه گام مثبتی است، اما نیاز به حمایت و توسعه بیشتری دارد. معلمان بسیاری هستند که ایده‌های نوآورانه دارند، اما فضای مناسبی برای معرفی و اجرای این ایده‌ها وجود ندارد. این کارشناس آموزشی سپس با اشاره به مقایسه وضعیت آموزشی استان با سایر استان‌ها تشریح کرد: برای مقایسه دقیق به بررسی جامع شاخص‌های مختلفی ازجمله نرخ پوشش تحصیلی، نتایج امتحانات نهایی، عملکرد دانش‌آموزان در آزمون‌های ملی، رتبه‌های کنکور سراسری و وضعیت مدارس عشایری و مناطق محروم، نیاز داریم.

بابایی افزود: بر اساس آخرین آمارها، استان ما در بسیاری از این شاخص‌ها در سطح متوسط کشوری قرار گرفته. البته برخی استان‌ها مانند تهران، اصفهان و فارس عملکرد بهتری دارند که دلایل مختلفی ازجمله امکانات بیشتر و توجه ویژه مسئولان دارد.

وی با اشاره به راهکارهای بهبود کیفیت آموزش تأکید کرد: برای ارتقای کیفیت آموزش در استان، چند اقدام اساسی ضروری است، نخست همکاری دستگاه‌های اجرایی، استاندار، فرماندار، نمایندگان مجلس و سایر مسئولان که باید آموزش و پرورش را در اولویت کاری خود قرار دهند. این همکاری باید فراتر از شعار باشد و به‌صورت عملی در تخصیص بودجه و امکانات نمود پیدا کند. مورد دوم مشارکت خانواده‌هاست؛ والدین باید به‌عنوان شرکای آموزش در فرآیند یادگیری مشارکت فعال داشته باشند. این مشارکت نباید محدود به حضور در جلسات اولیا و مربیان باشد، بلکه باید در برنامه‌ریزی‌های آموزشی نیز مدنظر قرار گیرد. سومین نکته توجه به برنامه تحول بنیادین است؛ اگرچه این برنامه در سال‌های گذشته با جدیت پیگیری می‌شد، اما متأسفانه در حال حاضر به حاشیه رفته است. باید این برنامه با رویکردی نوین و مشارکتی توسعه یابد.

مهارت‌پروری سوق یابد. اگر ما در این خصوص موفق شدیم آن زمان است که مشکلات نظام ما هم حل خواهد شد.» او همچنین ادامه می‌دهد: درحال‌حاضر دختران و پسرانی که فرار است نقش پدر و مادری را ایفا کنند حتی در مقاطع دکتری هم هنوز در آن فضا و زیست‌بوم زندگی نکرده‌اند. اصلاً این قضای برای‌شان تعریف نشده و به‌نوعی این قسمت به مجهولی در زندگی آن‌ها تبدیل شده است.

■ توجه ویژه به سند تحول بنیادین زندگی مثل یک پازل پیچیده است که هر تکه‌اش به مهارت نیاز دارد؛ از ساختن روابط تا حل‌کردن بحران‌ها! شاید وقت آن رسیده که دروس مهارت‌های زندگی از مدیریت زمان و تفکر انتقادی گرفته تا کارآفرینی و هوش هیجانی به برنامه‌های آموزشی اضافه شود و با تغییر و تحولات عظیمی در محتوا مواجه شویم.

عبداللهی هم با ما هم‌نظر است و توضیح می‌دهد: باید روند و سبک آموزشی تغییر پیدا کند. موقعی که ما از مهارت صحبت می‌کنیم باید برای آن سرفصل باز کنیم.

وی با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب درباره سند تحول بنیادین که یکی از ساخت‌های آن، مهارت‌آموزی است، می‌گوید: باید سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد بازخوانی قرار گیرد. از طرفی کتب آموزشی باید بر مبنای نیاز و علاقه‌های دانش‌آموزان طراحی شود. ما می‌توانیم با تغییر روش‌ها، محتوا و شیوه تدریس، فضایی برای یادگیری عمیق‌تر فراهم کنیم. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک نقشه راه است که باید به‌طور جدی دنبال شود. ما باید از روش‌های سنتزی که فقط بر انتقالِ دانش از معلم به شاگرد متمرکز است، عبور کنیم و به سمت روش‌هایی برویم که یادگیری را به تجربه تبدیل کند. سند تحول بنیادین، به ما یاد می‌دهد که چگونه می‌توانیم به‌طور مؤثر، دانش‌آموزان را به یادگیری عمیق و استفاده از مهارت‌های خود در دنیای واقعی توانمند کنیم.

شاید یکی از دلایل اصلی مشکلات آموزشی ما در ایران، فقدان یک رویکرد جامع و یکپارچه در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه راهی است که باید به‌طور جدی دنبال شود. ما باید از روش‌های سنتزی که فقط بر انتقالِ دانش از معلم به شاگرد متمرکز است، عبور کنیم و به سمت روش‌هایی برویم که یادگیری را به تجربه تبدیل کند. سند تحول بنیادین، به ما یاد می‌دهد که چگونه می‌توانیم به‌طور مؤثر، دانش‌آموزان را به یادگیری عمیق و استفاده از مهارت‌های خود در دنیای واقعی توانمند کنیم.



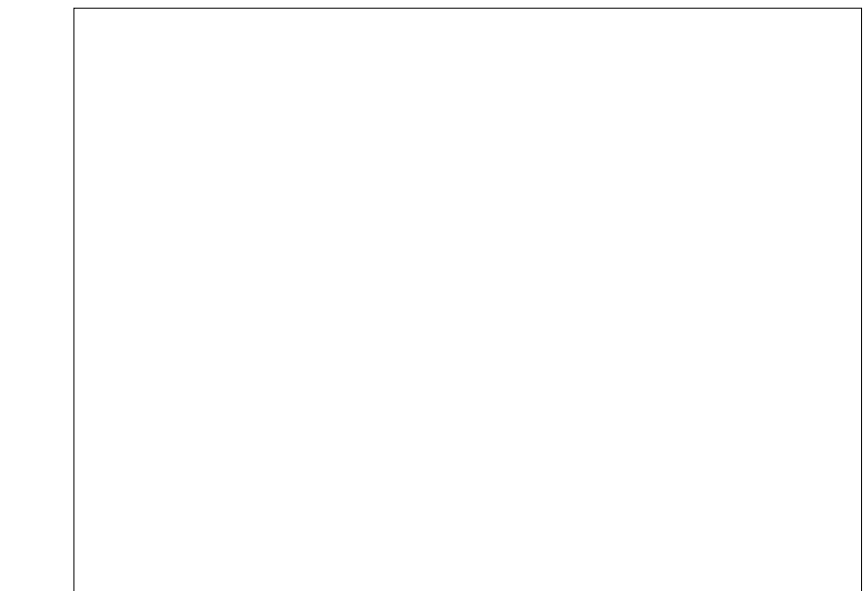
تأثیرات اجتماعی و فرهنگی

حتی از ابتدایی‌ترین امکانات آموزشی محروم هستند. ساختمان‌های نامن، کلاس‌های شلوغ و نبود آزمایشگاه‌های مجهز، تصویری غم‌انگیز از فضای آموزشی کشور ترسیم می‌کند. این در حالی است که در برخی مناطق، شاهد مدارس مجهز و پیشرفته‌ای هستیم که فقط قشر خاصی از جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. این نابرابری، عدالت آموزشی را به شدت زیر سؤال برده است. معیشت معلمان نیز از دیگر چالش‌های اساسی است. معلمی که دغدغه تأمین معاش دارد، چگونه می‌تواند با انگیزه و خلاقیت به تربیت نسل آینده بپردازد؟ حقوق ناکافی، عدم امنیت شغلی و نبود نظام حمایتی مناسب، بسیاری از معلمان را دچار فرسودگی شغلی کرده. این مسئله به‌صورت مستقیم بر کیفیت آموزش تأثیر گذاشته و روند یادگیری را با اختلال مواجه کرده است.

مدیریت ناکارآمد و تغییرات مکرر در رأس وزارتخانه نیز به مشکلات افزوده. هر مدیری که می‌آید، طرحی نو درمی‌اندازد و قبل از آنکه برنامه‌های قبلی به ثمر بنشیند، شاهد تغییر جهت‌های اساسی هستیم. این ناپایداری در سیاست‌گذاری‌ها، مانع شکل‌گیری برنامه‌های بلندمدت و اثرگذار شده است.

راه‌برون رفت از این شرایط، نیازمند عزمی ملی و برنامه‌ای جامع است. باید از روش‌های نوین آموزشی استقبال کنیم و فضایی پویا برای بروز خلاقیت معلمان و دانش‌آموزان فراهم آوریم. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی و بازنگری در نظام پرداخت‌ها می‌تواند گام مؤثری در بهبود شرایط باشد. همچنین ضروری است که از تغییرات مکرر مدیریتی پرهیز کرده و به برنامه‌های بلندمدت پایبند باشیم.

آموزش و پرورش رکن اساسی توسعه هر کشوری است. اگر امروز در این زمینه کوتاهی کنیم، فردا باید شاهد پیامدهای ناگوار آن در تمام عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی باشیم. وقت آن رسیده که به جای شعار و حرف‌های زیبا، دست به کار شویم و تغییرات اساسی را کلید بزنیم. آینده کشور در گرو تصمیم‌های امروز ما درباره نظام آموزشی است.



روز جامعه به دانش‌آموز ارائه شود. هم‌اکنون بسیاری از کتاب‌ها از رده خارج شده و در آن سطحی نیست که دانش‌آموز بتواند با آن خودش را آماده زندگی کند. شاید اضافه کردن سرفصل‌های مهارت‌محور به کتب درسی و تطبیق محتوای آموزشی با نیازهای روز، می‌تواند پلی باشد برای پر کردن شکاف میان کلاس درس و دنیای واقعی تا جوانان ایرانی نه‌تنها مدرک، بلکه توانایی زیستن را نیز به‌دست آورند.

■ تمهینه سبحانی شاد



ازکارها به‌شدت عقب افتاده و حالا باید با یک فشار مضاعف، روال عادی زندگی‌شان را طی کنند و این ذهنیت را دارند که حتماً باید با کار بیشتر به این نتیجه برسند.

اما وی معتقد است که چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و باید برنامه‌ریزی افراد با یک‌نگاه واقع‌گرایانه همراه باشد و اصول اولیه در این نوع از برنامه‌ریزی این است که چه اندازه امکانات در اختیارمان است و چه اندازه خودمان توان انجام آن داریم.

این روان‌شناس اجتماعی همچنین مهم‌ترین عامل موفقیت دراین خصوص را نیز مسئله نظم می‌داند و می‌گوید که ما باید در کارهای‌مان استمرار داشته باشیم.جسمانی و کمی شکیبایی، آن را به‌صورت دقیق انجام دهیم. باهمه این تفاسیر برای بازگشت به زندگی روزمره پس از تعطیلات نوروز، می‌توان با تنظیم خواب، برنامه‌ریزی هدفمند، تحرک جسمانی و کمی شکیبایی، آن را مدیریت کرد. این روزها که تقویم به شانزدهم فروردین ۱۴۰۴ رسیده، فرصتی است تا با نگاهی تازه، گام در مسیر بگذاریم و سال جدید را با قدرت آغاز کنیم.

■ تمهینه سبحانی شاد

